

The model of cultural turn in Iranian political sociology in the last two decades

Mahsa Poladi ¹, Hossein Harsij², Amir Masoud Shahram Nia³

Received: 2023/09/30

Accepted: 2023/12/05

Abstract

Political sociology has experienced many changes throughout history, and the latest example of these changes is the cultural turn. The cultural turn in political sociology may not be the same in all societies and may differ from one society to another. The article seeks to show to what extent the cultural turn in Iran's political sociology has occurred in the last two decades and what components it depends on. If a cultural turn has occurred in Iran's political sociology, to what extent does political and social construction contribute to it? The data of this research has been collected by using various new theories, semi-structured interviews, expert questionnaires, writing slips from texts and documents. Also, the fuzzy Delphi technique is used as the methodological framework of the article. The evaluations showed that the cultural turn in Iran has occurred and 21 components have been identified. These components can be used as a model in measuring the degree of cultural turn in Iran's political sociology. If we consider political sociology as the relationship between government and social construction, 20 of the 21 identified components are related to social construction and 1 component is related to political construction. The results of the research show that in Iran's political sociology, the fundamental change and transformation that happened was in the social structure and the political structure did not undergo fundamental changes.

Keyword: "cultural turn", "cultural policy", "globalization", "Delphi method"

1. PhD student in Political Sociology, Isfahan University, Isfahan, Iran.

puladi1368@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0005-6214-0441>

2. Professor of Political Science, Isfahan University, Isfahan, Iran (corresponding author)

harsij@ase.ui.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0003-1209-4270>

3. Associate Professor of Political Science, Isfahan University, Isfahan, Iran.

m.shahramnia@ase.ui.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-8333-0256>

Doi: 10.48308/pij.2024.233505.1454



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مدل چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه اخیر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

مهسا پولادی^۱

حسین هرسج^۲

امیرمسعود شهرام‌نیا^۳

چکیده

جامعه‌شناسی سیاسی در طول تاریخ تحولات زیادی تجربه کرده که آخرین نمونه از آن چرخش فرهنگی می‌باشد. چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ممکن است در همه جوامع یکسان نباشد و از یک جامعه با جامعه دیگر متفاوت باشد. مقاله بدنبال این است که نشان دهد تا چه اندازه چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه اخیر حادث شده و به چه مولفه‌هایی وابسته است. اگر چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران حادث شده تا چه اندازه ساخت سیاسی و اجتماعی در آن سهم دارد. داده‌های این پژوهش با استفاده از نظریات متنوع جدید، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، پرسش‌نامه خبره، فیش‌نویسی از متون و اسناد گردآوری شده است. همچنین تکنیک دلفی فازی به عنوان چهارچوب روشی مقاله بکار برده شده است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهند چرخش فرهنگی در ایران حادث شده و ۲۱ مولفه شناسایی شده است. این مولفه‌ها می‌توانند بعنوان یک مدل در سنجش میزان چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران استفاده شوند. اگر جامعه‌شناسی سیاسی را رابطه دولت و ساخت اجتماعی در نظر بگیریم، ۲۰ مولفه از ۲۱ مولفه شناسایی شده مربوط به ساخت اجتماعی و ۱ مولفه مربوط به ساخت سیاسی می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، گردش و تحول بنیادینی حادث شده در ساخت اجتماعی بوده و ساخت سیاسی دچار تغییرات بنیادینی نشده است.

واژگان کلیدی: چرخش فرهنگی، سیاست فرهنگی، جهانی شدن، روش دلفی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران.

puladi1368@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0005-6214-0441>

۲. استاد علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

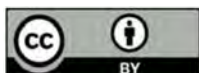
harsij@ase.ui.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0003-1209-4270>

۳. دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران.

m.shahramnia@ase.ui.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-8333-0256>



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

در سال‌های اخیر تحولات بسیار زیادی در عرصه سیاست و اجتماع رخ داده و جامعه‌شناسی سیاسی نیز تحت تاثیر این تحولات بوده است. آخرین نمونه از تحولاتی که در جامعه‌شناسی سیاسی صورت گرفته، پرخش فرهنگی می‌باشد. این تحولات که می‌توان آنها را در قالب عناوینی چون حرکت به سمت وسوی سرمایه‌داری بی‌سازمان، مصرف‌گرایی، سرعت پرشتاب و دگرگونی‌های بی‌وقفه، تاکید بر ظواهر و تصاویر، تولد رسانه‌های گروهی، جهانی شدن و جنبش‌های جدید اجتماعی، پیش‌بینی‌پذیری، تردید در واقعیت یا حتی تردید در امر اجتماعی بیان کرد. تغییراتی که به سبب آنها، مفاهیم سنتی و متداول جامعه‌شناسی سیاسی مانند قدرت، دولت ملی، گروه‌ها و نظام اجتماعی و طبقه و هویت دچار تحولات عمیقی شده‌اند که با تعاریف سنتی از این واژه‌ها همخوانی ندارند (گیببنز، ۱۳۸۱: ۳۹).

برای توضیح پیدایش پرخش فرهنگی باید تحولات گذشته را بررسی کرد. با تولد علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسی و اقتصاد، حوزه سیاست به حاشیه رانده شده و جامعه حیطه‌ای خودتنظیم‌گر تصویر شده که از طریق اقتصاد و بازار، فعالیت‌های انسانی را سازمان می‌دهد. در نتیجه شکافی بین جامعه و سیاست بوجود آمده و سیاست به دولت محدود شده است. در این دوران تبیین‌های ساختاری تفکر قالب بوده است، لذا تأکید مجدد بر عاملیت و ذهنیت، پرخش فرهنگی را شکل داده است. در چنین شرایطی انتظار می‌رود که سیاست نیز مجدداً به صحنه بازگردد، البته نه در معنای سنتی پیشین خود که به دولت و کشمکش‌هایی بر سر قدرت مرتبط می‌شد، بلکه به عنوان وجهی از فعالیت‌های روزمره در زندگی اجتماعی. رشد فزاینده‌ی فرهنگ ابعاد جدیدی از حیات سیاسی را برجسته نموده است که با عنوان سیاست جدید از آن یاد می‌شود (نش، ۱۳۸۸: ۵۰).

سیاست جدید چیزی جدای از زندگی روزمره نیست. سیاست همین ابراز وجود و کنش مستقیم است. سیاست بیشتر با جنبش‌های اجتماعی جدید ارتباط می‌یابد تا با احزاب سیاسی سنتی (گیببنز، ۱۳۸۱: ۱۶). بجای اینکه مانند جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک از منظر روابط میان «دولت و جامعه» به مسائل بیندیشیم، باید زندگی اجتماعی را تشکیل شده از شبکه‌ها بدانیم. شبکه‌ها بر خلاف دولت‌ها مرزهای مشخصی ندارند. آن‌ها نه درون سرزمین‌های ملی باقی می‌مانند و نه خودشان را به تقسیم دقیقی میان دولت و جامعه محدود می‌کنند (نش، ۱۳۹۹: ۵۲). جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه اخیر نیز متأثر از این تغییرات و همین‌طور بسترهای متفاوت و بومی خود دچار تحولات زیادی شده است به گونه‌ای که نظریات و بحث‌های آکادمیک در تحلیل و بررسی واقعیت‌های موجود نیازمند بازبینی و نوآوری هستند. در جامعه‌شناسی سیاسی ایران اکنون از شخصی‌ترین موضوعات تا کلان‌ترین مسائل را باید در دامنه‌ی سیاست و در تقاطع امر محلی با امر جهانی به صورت هیبریدی تحلیل کرد (رضایی ۱۳۹۸: ۱۷۸).

روابط قدرت و سیاست در ایران را نباید صرفاً در دولت جست و جو کرد، بلکه باید آن را در تمام روابط اجتماعی در سطوح خرد و کلان و حتی خانواده و روابط عاطفی و تصمیمات شخصی ردیابی کرد (توحیدفام، ۱۳۹۲). بر اساس این نظریه‌ها، اگر تحولات جامعه‌شناسی سیاسی را بنگریم، سیر مقدماتی جامعه‌شناسی در طول تاریخ تحولاتی را تجربه کرده که آخرین نمونه از این تحولات، چرخش فرهنگی می‌باشد. در ایران نظریه‌ای که بتواند مولفه‌ها و ابعاد چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه‌ی اخیر را شناسایی کرده و تبیین نماید وجود ندارد به همین دلیل از روش دلفی فازی در این پژوهش استفاده شده است.

چرخش فرهنگی موضوع کلانی است که به مولفه‌های آن در نظریه‌های مختلف اشاره شده، اما در پژوهش حاضر مطالعه موردی ایران دو دهه‌ی اخیر می‌باشد که بسیاری از مولفه‌های نظریات مختلف در حوزه چرخش فرهنگی توسط خبرگان در راندهای دلفی حذف شده است. حذف بسیاری از مولفه‌های نظریات مختلف توسط خبرگان این حوزه نشان می‌دهد آنچه بعنوان چرخش فرهنگی در جوامع مختلف حادث شده، بدلیل تفاوت‌های ساختاری در بافت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با یکدیگر یکسان و مشابه نباشد و ممکن است از یک جامعه به جامعه دیگر متفاوت باشد. در این پژوهش نشان داده می‌شود که تا چه اندازه چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه اخیر حادث شده است.

این جهت‌گیری کلی در جامعه‌شناسی سیاسی که ما در حوزه نظری درباره آن صحبت می‌کنیم تا چه اندازه در قلمرو عینی جامعه‌شناسی سیاسی ایران محقق شده و به چه مولفه‌هایی وابسته است. این مولفه‌ها که مدل چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه اخیر را شکل می‌دهند چگونه می‌توانند به پژوهشگران در شناخت ایران امروز کمک کنند؟ اگر جامعه‌شناسی سیاسی را رابطه‌ی دولت و جامعه در نظر بگیریم، سهم ساخت سیاسی و اجتماعی از این تحولات چقدر است و آیا در این دو ساخت، تحولات بصورت متوازن رخ داده است؟

پیشینه پژوهش

پیرامون چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی پژوهش‌های زیادی انجام شده، اما با محوریت ایران تحقیقات بسیار محدود می‌باشند. با این حال، در ادامه به چند نمونه از پژوهش‌های انجام شده پیرامون چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی و همچنین چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه اخیر اشاره می‌شود.

عاملی و حاضری (۱۳۸۶) در پژوهش خود به بررسی چرخش فرهنگی در قلمرو مطالعات انقلاب‌های اجتماعی با تأکید بر انقلاب ایران پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بسیاری اساساً تبیین‌های فرهنگی را مهمل دانسته و به طور کلی تأثیر متغیرهای فرهنگی را در رخداد‌های اجتماعی

نادیده گرفته و از آن به عنوان يك عنصر فرعي یاد می‌کنند. بعدها با شکل‌گیری آنچه که به پرخش فرهنگی شهرت یافته، نوعی بازنگری در نقش و اهمیت مولفه‌های فرهنگی به وجود آمد. چنین موجی، اشکال مختلف علوم اجتماعی و رشته‌های وابسته به آن را تحت تاثیر خود قرار داد. نتیجه چنین پرخشی، آشکارا در مطالعات مربوط به انقلاب‌های اجتماعی موثر بود. نظریات فرهنگی مربوط به علل رخ دادن انقلاب‌ها، بعد از این پرخش فرهنگی کم و بیش اهمیت خود را در برابر سایر تحلیل‌ها در این زمینه پیدا کردند.

میراحمدی و احمدی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «بررسی پرخش فرهنگی و تأثیرات آن بر جغرافیای سیاسی» به بررسی مولفه‌های پرخش فرهنگی و اثرات آن بر جغرافیای سیاسی پرداخته‌اند. آنها پرخش فرهنگی را مجموعه‌ای از تحولات فکری می‌دانند که از اواخر دهه ۱۹۸۰ حوزه صلاحیت رشته جغرافیا را گسترده‌تر کرده و منجر به محوری شدن مسائل فرهنگی در جغرافیای انسانی شده است. در جغرافیای سیاسی متأثر از فرهنگ، سیاست معنایی فراتر از معنای متعارف سیاست رسمی می‌یابد. در این زمینه جغرافیای سیاسی به تشخیص و نشان دادن تأثیرات متقابل نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی از یکسو و اعمال سیاسی از سوی دیگر می‌پردازد و به ویژه بر معنا و نزاع بر سر معنا و گفتمان متمرکز می‌شود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد پرخش فرهنگی سه تأثیر عمده بر جغرافیای سیاسی داشته است: اول، صورت‌بندی مجدد مفاهیم و موضوعات رشته جغرافیای سیاسی بر اساس لنز فرهنگی؛ دوم، تمرکز بر موضوعات جدیدی مانند سیاست فرهنگی که تا قبل از دهه ۱۹۸۰ مورد توجه نبودند و سوم، توجه به فرهنگ از نظر تولید دانش جغرافیای سیاسی. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این اثر به مبحث اصلی پژوهش حاضر؛ یعنی شناسایی مولفه‌های پرخش فرهنگی در رشته‌ی جامعه‌شناسی سیاسی پرداخته و تنها به بررسی این مولفه‌ها به شکل محدود در حیطه‌ی جغرافیای سیاسی و اهمیت یافتن فرهنگ در این رشته پرداخته است.

مور^۵ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «سیاست‌های زندگی و مفهوم مشارکت سیاسی» به نقد و بازبینی نقشه‌ی جامع مفهومی که ون دث برای مشارکت سیاسی نوشته است می‌پردازد. سوال مهم وی اینست که آیا ون دث به هدف اصلی خود یعنی شناسایی و طبقه‌بندی مشارکت سیاسی در اشکال پیچیده و جدید آن از جمله فعالیت سیاسی آنلاین یا سیاست سبک زندگی رسیده است یا نه؟ در واقع هدف پژوهش او دو مرحله دارد. اول بررسی سودمندی رویکرد ون دث برای تجزیه و تحلیل سیاست سبک زندگی و دوم شناسایی و طبقه‌بندی سیستماتیک انواع مختلف سیاست زندگی در مطالعات تجربی است. این بررسی ادبیات حاکی از آن است که سیاست‌های سبک زندگی اغلب در عرصه‌های مختلف خصوصی،

عمومي و نهادي اعمال مي شونډ و اغلب آن‌ها به طور همزمان مورد هدف بازيگران مختلف اجتماعي و سياسي قرار مي گيرند. اين پژوهش مفاهيمي چون مشارکت سياسي و ارتباط آن با سياست سبک زندگي را به خوبي تبیین و طبقه بندي مي کند ولي به ساير عناصر چرخش فرهنگي و اثرات آن بر جامعه شناسي سياسي و به ويژه جامعه شناسي سياسي ايران در دو دهه اخير نمي پردازد. چنانکه مشخص است هيچ يک از پژوهش هاي مزبور اولاً بصورت جامع مولفه هاي چرخش فرهنگي در جامعه شناسي سياسي ايران در دو دهه اخير را احصاء و استخراج نکرده اند و ثانياً مشخص نشده که تا چه اندازه چرخش فرهنگي در جامعه شناسي سياسي ايران در دو دهه اخير حادث شده است.

تعريف مفاهيم

چرخش فرهنگي: بر تغيير راديکال در جامعه و فرهنگ مدرن دلالت دارد. در واقع، اگر فرهنگ، مفهومي در ارتباط با توليد گفت و شنودي معنا از طريق انواع روش ها فرض شود، پس رسانه ها و ارتباطات که خودشان به زمينه فرهنگ تعلق دارند، بخش مهم اين چرخش فرهنگي قلمداد مي شونډ (آکسفورد و هاگينز، ۱۳۸۷: ۱۴۰).

جهاني شدن: فرايند فشردگي فزاينده زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنيا کم و بيش و به صورتي نسبتاً آگاهانه در جامعه جهاني واحد ادغام مي شونډ. به بيان ديگر جهاني شدن معطوف به فرايندي است که در جريان آن فرد و جامعه در گستره اي جهاني با يکديگر پيوند مي خورند (گل محمدي، ۱۳۸۱: ۲۰ و ۲۱).

سياست فرهنگي: سياست فرهنگي به موضوعات قدرتي مي پردازد که الگوهاي معنایی ما را شکل مي دهند. سياست فرهنگي به مبارزه بر سر معني، نام گذاري ها و بازنمايي مربوط مي شود (بارکر، ۱۳۸۷: ۷۸۸).

روش دلفي: يک ابزار توانمند براي تعيين موضوعات مهم و اولويت بندي توصيفي آنها در تصميم هاي مديريتي است که با هدف همگرایی نظر خبرگان انجام مي شود (Pour Ezzat & Sadabadi, 2014).

مباني نظري

ادبيات نظري پژوهش، اهميت اساسي در پيشبرد پژوهش ها دارد. نظريه ها مي توانند به عنوان راهنمايي براي انتخاب فکت ها و اسناد پژوهش، به عنوان هدف و ابزار پژوهش، به عنوان موضوع مورد مناقشه و يا نهايتاً به عنوان پيکر بندي تحلیلي پژوهش عمل کنند (حاتمي، ۱۳۹۵: ۱۲۰). آن چه در اين پژوهش مدنظر است، پيروي از يک نظريه يا اثبات و رد آن نيست، بلکه استخراج مولفه هاي چرخش فرهنگي از طريق نظريه هاي جديد و آراء خبرگان در اين حوزه است. نظريه ها در اين پژوهش همچون راهنمايي

برای طرح سوالات در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و طراحی پرسشنامه‌های دوره‌های دلفی فازی مورد استفاده قرار گرفته است.

در حال حاضر یک تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی سیاسی رخ داده، به طوری که این رشته، از مدل‌های دولت‌محور طبقاتی مشارکت سیاسی فاصله گرفته و به طرف درک جدیدی از سیاست به مثابه پدیده‌ای که در همه تجربیات اجتماعی حضور دارد، حرکت کرده است. بنابراین بیش از هر چیز به سیاست فرهنگی نظر دارد و این سیاست را در وسیع‌ترین مفهوم ممکن به مثابه ستیز و دگرگونی هویت‌ها و ساختارهای اجتماعی درک می‌نماید (نش، ۱۳۹۹: ۲۰). جامعه‌شناسان سیاسی جدید، خود جامعه را محل تصادم نابرابری‌های قدرت تلقی می‌کنند که هر کدام ممکن است سیاسی شده و موضوع مطالعه قرار بگیرد.

جامعه‌شناسان سیاسی معاصر عملاً توجه بیشتری به دیگر جنبه‌های مشارکت سیاسی، به ویژه فعالیت‌های جنبش‌های اجتماعی کرده‌اند. جنبش‌های اجتماعی جدید از طریق بازتعریف معناها و ایجاد هویت‌های جدید روابط اجتماعی را در سراسر حوزه‌ی اجتماعی و سیاسی دگرگون می‌کنند. مطالعه جنبش‌های اجتماعی تمرکز بر روابط میان دولت و جامعه را نیز تغییر می‌دهد. جنبش‌های اجتماعی همان‌قدر که به سیاست‌ها و قوانین توجه دارند به تصمیمات شخصی و تغییر قواعد و عادات زندگی روزمره نیز می‌پردازند (نش، ۱۳۹۹: ۵۴). کاستلز ظهور شبکه‌های اطلاعاتی تعاملی را به منزله ستون‌های اصلی ساختارهای اجتماعی جدید معرفی می‌کند. در شرایطی که هر یک از ما در فرهنگ‌های مختلف و گاه متعارضی قرار داریم، هویت و سیاست هویت در مرکز اصلی توجه قرار می‌گیرد (Webster, 2005).

میراث‌نمایی جنبش‌های اجتماعی تغییر (و چرخش) فرهنگی است که از طریق کنش ایجاد می‌شود. میراث جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای شده که هنوز در حال ساخته شدن هستند شکل جدیدی از دموکراسی است. این جنبش‌ها در اشکال مختلف شبکه‌ای هستند و بدون اینکه یک مرکز قابل شناسایی داشته باشند نیاز به رهبری رسمی، مرکز فرماندهی و کنترل یا سازمان عمودی برای توزیع اطلاعات یا دستورالعمل‌ها ندارند. شبکه‌بندی به عنوان روش زندگی جنبش، از آنها در مقابل دشمنان و خطرهای درون جنبشی از جمله بوروکراتیزه شدن و دستکاری محافظت می‌کند (کاستلز، ۱۳۹۵: ۴۵).

رسانه‌ای شدن سیاست به صورتی که توصیف شد، بخشی از پدیده‌ای است که به عنوان تغییر فرهنگی در سیاست شناخته شده می‌باشد. جان استریت با لحن متقاعد کننده‌ای عنوان می‌دارد که سیاست را باید به عنوان نوعی فرهنگ عامه‌پسند تلقی کرد، چون از طریق تکنیک‌ها و گفتارهای انواع شکل‌های رسانه‌های همگانی ارتباط برقرار می‌کند (هاگینز، ۱۳۸۷: ۴۰). سبک زندگی یکی دیگر از موضوعات مورد توجه در تغییرات فرهنگی است. سبک زندگی در وهله نخست نتیجه همه انتخاب‌ها و گزینش‌هایی است که شخص

نسبت به زندگی خود انجام می‌دهد. این شامل انتخاب کار و فعالیت‌های مربوط به فراغت و نیز این انتخاب می‌شود که آیا مجرد باشد یا ازدواج کند و اگر بزرگسال و متاهل است، آیا بچه می‌خواهد یا خیر؟ (گیبیز، ۱۳۸۱: ۱۰۳). در واقع با کمک رسانه‌های جدید و جهانی شدن و در تعامل میان مردم و جنبش‌های نوین اجتماعی، تمایز بین سیاست و سبک زندگی از بین می‌رود (گیبیز، ۱۳۸۱: ۱۴۳). تماشایی‌ترین و مورد اجماع‌ترین چالش برای مدل‌های جامعه‌شناختی سیاست دولت‌محور، جهانی شدن می‌باشد. جهانی شدن کنترل رفت و آمد کالاها، خدمات، فن آوری، محصولات رسانه‌ای، و اطلاعات بین مرزها را برای دولت‌ها دشوار کرده است. در نتیجه، توانایی‌های دولت‌ها برای اقدام در امور داخلی و بین‌المللی به شدت سیاسی شده است. دولت در حال بین‌المللی شدن، فرضیات بنیادین جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک مبتنی بر دولتی ملی با مرزهای سرزمینی مشخص را بر هم می‌زند (نش، ۱۳۹۹: ۵۳). جامعه ایران از تحولات یاد شده بی‌بهره نبوده است. گسترش وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی و همچنین شبکه‌های جهانی ارتباطات، نفوذ فرهنگ جهانی و تحدید ابزارهای جامعه‌پذیرکننده انحصاری دولت، جامعه‌پذیری سیاسی نسل امروز را تحت تأثیر قرار داده است. به ویژه برقراری ارتباط بین نیروهای اجتماعی جامعه جدید ایران با جنبش‌های اجتماعی جدید خارج از مرزها، فضای جدیدی برای فعالیت نیروهای اجتماعی خلق کرده است. فضای جدیدی که قادر است بدون مقابله مستقیم با وضع موجود، زمینه‌های مناسبی برای هم‌پذیری و مشارکت نیروهای اجتماعی ایجاد کرده و منجر به حضور صداها و نیروهای خاموش اجتماعی در عرصه سیاست عمومی شود (نقوی، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

در مورد ایران، جهانی شدن چند تأثیر عمده بر جنبش‌های اجتماعی داشته است: در درجه اول جهانی شدن باعث رشد و تقویت فعالیت جنبش‌های اجتماعی موجود کشور (جنبش‌های اجتماعی جوانان، زنان، قومی و کارگری) شده است. دوم، جهانی شدن باعث به وجود آمدن جنبش‌های جدیدی همچون جنبش محیط زیست در کشور شده است. سوم، جهانی شدن باعث پیوند متقابل جنبش‌های اجتماعی در داخل و نیز تقویت پیوندهای بین‌المللی این جنبش‌ها شده است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۹۲-۲۱۱).

آصف بیات تحت عنوان ناجنبش‌های اجتماعی از این حرکت‌های روزمره‌ی مبنی بر تصمیم‌های فردی و شخصی که شمار زیادی از مردم به گونه‌ای مشخص رفتار می‌کنند، یاد می‌کند. این رفتارها در واقع نماد نوعی مقاومت از طریق انتخاب سبکی از زندگی و پوشش است. وی ناجنبش زنان در جوامع خاورمیانه از جمله ایران را از این نوع می‌داند. ناجنبش‌ها به دلیل فراوانی استفاده از رفتار یا عملی خاص و در اختیار گرفتن فضا و خیابان به گونه‌ای نرم باعث مقاومت در جهت تغییر می‌شوند و این در حالی اتفاق می‌افتد که این کنشگران گاهی ناآگاهانه از طریق عمل و سبک خاصی از زندگی کنشگری سیاسی می‌کنند (آصف بیات، ۱۳۷۹: ۲۵). ناجنبش زنان و جوانان در ایران از طریق سبک‌های زندگی و انتخاب‌هایی که انجام می‌دهند نمونه‌ی واقعی این مقاومت و کنشگری سیاسی هستند.

روش پژوهش

این مقاله بر مبنای دستاورد یا نتیجه از نوع کاربردی و از لحاظ اهداف اکتشافی است. ماهیت پژوهش حاضر کمی و کیفی (آمیخته) می‌باشد. گردآوری اطلاعات به دو روش کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ی عمیق است. مصاحبه‌ها به روش نیمه‌ساختاریافته انجام و به منظور جمع‌آوری آرای خبرگان از روش دلفی فازی و پرسش‌نامه هفت مقیاسی استفاده شده است. به منظور تعیین روایی پرسش‌نامه از روش روایی محتوا استفاده شده است. جامعه خبرگان این پژوهش، شامل خبرگان دانشگاهی، مراکز دانشگاه‌های اصفهان، تهران، علامه طباطبایی، شهید بهشتی تهران و مرکز مطالعات فرهنگی بودند که در حیطه پژوهش صاحب‌نظر هستند. نمونه آماری پژوهش نیز مشتمل بر ۱۲ نفر از اساتید مجرب است که به روش گلوله‌برفی انتخاب شدند.

روش نمونه‌گیری پژوهش، گلوله‌برفی می‌باشد که روشی مفید برای مطالعات کیفی و اکتشافی است. در این روش خبره اول، نفر دوم را به پژوهشگر معرفی می‌کند و نفر بعدی نیز همچنین و این روند ادامه پیدا می‌کند (Fuißt & Mogford, 2018: 897). در روش گلوله‌برفی نمی‌توان از ابتدا مشخص کرد که چه تعداد از افراد باید انتخاب شوند تا پدیده مورد مطالعه، به طور کامل شناسایی شود. می‌توان گفت جمع‌آوری اطلاعات تا زمانی ادامه می‌یابد که به نقطه اشباع برسیم، جایی که داده‌های جدیدتر با داده‌های قبلی تفاوتی ندارند. به بیان دیگر زمانی که به نقطه بازده نزولی تلاش‌هایمان برای جمع‌آوری داده‌ها رسیدیم، می‌توانیم مطمئن شویم که مطالعه‌ای کامل انجام گرفته است (Baltar & Fabiola: 2012).

در این پژوهش، ۱۲ مصاحبه برای رسیدن به نقطه اشباع صورت گرفت. اطلاعات بدست آمده پس از ۸ مصاحبه، تکراری به نظر می‌رسید، ولی جهت اطمینان از رسیدن به نقطه اشباع، مصاحبه با تمام خبرگان انجام شد. در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مولفه‌های معطوف به پرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه اخیر شناسایی شدند. سپس به کمک دلفی فازی مولفه‌ها امتیازبندی شدند و به این ترتیب ۲۱ مولفه شناسایی شدند.

روش سنتی دلفی به دلیل همگرایی پایین بین خبرگان همیشه مورد انتقاد بوده است. موری و همکارانش برای بهبود روش دلفی سنتی، به یکپارچه‌سازی روش دلفی و نظریه فازی پرداختند (Okoli & Pawlowski: 2004: 18). سپس سو و یانگ روش دلفی فازی را ایجا کردند و عدد فازی مثلثی را جهت پوشش آرای خبرگان به کار بردند (Okoli & Pawlowski: 2004: 19).



شکل ۱: نمودار اجرای دلفی فازی (منبع: حبیبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۷)

یافته‌های پژوهش

پس از انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مطالعه اسناد کتابخانه‌ای، مولفه‌های چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه‌ی اخیر استخراج گردید که در جدول شماره ۲ آورده شده است. در این مرحله از خبرگان خواسته شده که نظر خود در خصوص میزان مناسب بودن هر یک از مولفه‌های استخراج شده را به صورت گزینه‌های کاملاً مناسب، مناسب، تا حدودی مناسب، بی‌تاثیر، تا حدودی نامناسب، نامناسب و کاملاً نامناسب تعیین نمایند. بدین‌سان پرسش‌نامه‌های دلفی فازی، با هدف کسب نظر خبرگان در مورد میزان مناسب بودن مولفه‌های مربوط به چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه اخیر تدارک دیده شد. دلفی فازی در این پژوهش چند مرحله ایست و توزیع پرسش‌نامه تا رسیدن خبرگان به اجماع ادامه می‌یابد.

اجماع خبرگان زمانی حاصل می‌شود که اختلاف عدد دیفازی شده یک دور با دور بعدی پرسش‌نامه به صفر نزدیک شود. زمانی که اختلاف عدد

دیفازی شده یک دور با دور بعدی به صفر نزدیک شود توزیع پرسش‌نامه متوقف و نتایج آخرین دور دلفی تحلیل فازی می‌شود. نظر به اینکه افق فکری متفاوت افراد بر تعابیر ذهنی آنها درباره‌ی متغیرهای کیفی اثرگذار است، با تعریف دامنه متغیرهای کیفی در روش دلفی فازی، سعی بر این شد تا خبرگان با ذهنیت یکسان به سوالات پرسش‌نامه پاسخ دهند. این متغیرها به شکل اعداد فازی مثلثی در جدول ۱ آورده شده‌اند. این جدول نشان دهنده متغیرهای کلامی و عدد فازی متناسب با آن است.

جدول ۱) اعداد فازی مثلثی و متغیرهای کلامی نظیر آن

متغیر کلامی	عدد فازی مثلثی متناظر
کاملاً مناسب	(۹، ۱۰، ۱۰)
مناسب	(۷، ۹، ۱۰)
تاحدودی مناسب	(۵، ۷، ۹)
بی تأثیر	(۳، ۵، ۷)
تاحدودی نامناسب	(۱، ۳، ۵)
نامناسب	(۰، ۱، ۳)
کاملاً نامناسب	(۰، ۰، ۰)

راه حل اصلی تحلیل به این صورت قابل گزارش است: خلق عدد فازی مثلثی T_{ij} برای هر خبره؛ در هر معیار، T_{ij} انعکاس دهنده نظر خبره مورد نظر به شرح زیر است:

$$T_{ij} = (L_{ij} \text{ و } M_{ij} \text{ و } U_{ij})$$

که در آن:

$$L_{ij} = \min\{L_{ij}\} \quad \forall j$$

$$U_{ij} = \min\{U_{ij}\} \quad \forall j$$

$$M_{ij} = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^n M_{ij}}$$

در عدد فازی مثلثی میانگین هندسی، برای اشاره به همگرایی اجماع گروه خبرگان در مورد هر مولفه به کار رفته است. مقادیر حداقل و حداکثر نظرهای کارشناسی خبرگان به عنوان دو نقطه پایانی اعداد فازی مثلثی استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که مقادیر حداقل و حداکثر نظر متخصصان، نمی‌تواند نماینده مناسبی برای کل دامنه تغییرات باشد و در نتیجه دقت محاسبات را کاهش می‌دهد (Chang, 1998). برای رفع این مساله در تجمیع نظر خبرگان، از میانگین هندسی برای مقادیر ابتدایی و انتهایی فازی مثلثی استفاده شد (Mikhailov, 2013: 370). از فرمول نقطه ثقل مرکزی ساده برای دی فازی کردن استفاده شده است. فرمول زیر برای دی فازی کردن استفاده شده است:

$$S_A = \frac{L_{ij} + 4M_{ij} + U_{ij}}{6}$$

برای غربال کردن مولفه‌های نامناسب یک مقدار آستانه α انتخاب می‌کنیم:

الف) اگر $S_A \geq \alpha$ مولفه تاثیرگذار پذیرفته می‌شود.

ب) اگر $S_A < \alpha$ مولفه تاثیرگذار پذیرفته نمی‌شود.

مقدار آستانه با استنباط ذهنی تصمیم گیرنده تعیین می‌گردد که می‌تواند به طور مستقیم بر تعداد مولفه‌های تاثیرگذاری که غربال می‌شوند تاثیر بگذارد. (Baltar & Fabiola, 2012) برای پژوهش‌هایی که بیش از ۱۰ مولفه دارند، عدد ۶ را برای حد آستانه انتخاب کرده‌اند (Chen & Wang, 7399: 2012). با توجه به قانون ۲۰-۸۰ پارتو، بسیاری از محققان عدد ۸ را بعنوان عدد آستانه انتخاب می‌کنند (آقایی و همکاران، ۱۳۹۱). در این پژوهش عدد ۸ بعنوان حد آستانه در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه حد آستانه ۸ در نظر گرفته شده است، کلیه مولفه‌هایی که عدد فازی زدایی شده آنها کمتر از ۸ می‌باشد حذف می‌شوند که در جدول شماره ۳ آورده شده است. همچنین مولفه‌هایی که عدد فازی زدایی شده آنها بیشتر از ۸ می‌باشد بعنوان مولفه‌های چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی برگزیده می‌شوند که در جدول شماره ۴ بر حسب بالاترین اولویت آورده شده است. (جدول ۲) نتایج حاصل از پاسخ‌های پرسش‌نامه دور سوم

ردیف	مولفه‌های چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی	میانگین هندسی حد پایین عدد مثلثی فازی	میانگین هندسی حد وسط عدد مثلثی فازی	میانگین هندسی حد بالا عدد مثلثی فازی	عدد فازی زدایی شده
۱	کم رنگ شدن شکل‌های طبقاتی و حزبی و ظهور اتحادهای غیر طبقاتی (جنسیتی، قومی، بر پایه‌ی اطلاعات و...)	6/30	8/36	9/56	8/22
۲	ظهور قدرت رابطه‌ای، مفهومی قراتر از مرزهای ساخت سیاسی	5/59	7/61	9/32	7/56

8/41	9/61	8/52	6/78	۳ نمادین و نمایشی شدن سیاست و آمیختگی فرهنگ عامه پسند و سیاسی
8/17	9/49	8/79	7/07	۴ تحول مرزها، انتظارات و مسئولیت‌های شهروندی
8/17	9/49	8/26	6/50	۵ تحول ساختاری و کارکردی دولت
8/72	9/74	8/79	7/07	۶ تغییر اشکال مشارکت سیاسی
8/73	9/91	8/89	6/95	۷ تغییرات ساختاری و شکلی در بیان نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی (شادی‌های جمعی فرمی از شکست قدرت و محدودیت)
7/56	9/32	7/61	5/59	۸ تحول در مفهوم توسعه (توسعه پایدار و سبز، کاهش نآزادی از راه افزایش توانایی افراد برای تصمیم‌گیری‌های زندگی)
8/08	9/57	8/17	6/21	۹ تفکیک گریزی حوزه‌های مختلف زندگی و کم‌رنگ شدن سلسله مراتب‌ها
8/81	9/87	8/95	7/15	۱۰ نکتز سبک‌های زندگی
۸/۶۴	9/91	9/12	7/40	۱۱ تحول در ارزشها، اعتقادات و هنجارهای اجتماعی و غلبه نسبی گرایب در این حوزه‌ها
8/40	9/74	8/52	6/57	۱۲ معنایب‌های سیال و مبتنی بر زندگی روزمره
9/31	10/00	9/49	7/94	۱۳ جنبش‌های اجتماعی جدید و شبکه‌های
9/56	10/00	9/74	8/45	۱۴ ظهور رسانه‌های جدید و شبکه‌های
8/99	10/00	9/15	7/29	۱۵ اشکال جدید مقاومت توده‌های طرد شده (زنان، طبقات فرودست شهری و جوانان...)
8/64	9/82	8/78	6/90	۱۶ جهانی شدن
8/55	9/74	8/67	6/85	۱۷ بررنگ شدن و اثرگذاری جامعه‌ی مدنی جهانی (به ویژه در موضوعاتی چون محیط زیست و تغییرات آب هوایی، فقر و توزیع ناعادلانه‌ی منابع، زنان و خشونت، جنگ، آزادی‌های جنسیتی و...)
8/01	9/57	8/10	6/08	۱۸ ظهور بریکولاز فرامردن به ویژه میان جوانان
7/70	9/40	7/77	5/75	۱۹ شکل‌گیری NGO ها
8/08	9/57	8/17	6/21	۲۰ بررنگ شدن ارزش‌های معطوف به حقوق حیوانات و محیط زیست
7/85	9/48	7/93	5/91	۲۱ زنانه شدن زیست اجتماعی
8/31	9/65	8/42	6/52	۲۲ افول فراروایت‌ها و نظام‌های کلان‌معرفی و ظهور جهان‌های درآمیخته‌ی حسی
7/70	9/40	7/77	5/75	۲۳ بدن‌مندی حوزه‌ی سیاست در مقابل درک انتزاعی و ذهنی
8/64	9/82	8/78	6/90	۲۴ فردگرایی خودخواهانه
8/22	9/57	8/32	6/47	۲۵ مجازی شدن زیست شخصی و عمومی مانند کنش‌های اقتصادی در فضای مجازی یا همان دنیای رمز ارزها
7/90	9/40	7/98	6/12	۲۶ شفاف‌سازی و پاسخگو سازی دولتمردان در اثر گسترش فضای مجازی
8/81	9/87	8/95	7/15	۲۷ تغییرات اجتماعی به ویژه تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان
۶/۳۴	۸/۱۵	۶/۳۸	۴/۳۵	۲۸ مصرف‌گرایی سیاسی شکل‌نویز کنش و مشارکت
۶/۶۲	۸/۵۶	۶/۶۴	۴/۵۹	۲۹ بازستی شدن
۶/۶۲	8/56	6/64	4/59	۳۰ گرایش به خودباری‌های اجتماعی
۴/۷۲	7/47	5/21	۰	۳۱ گسترش نظریات پست مدرن و نظریات انتقادی در ایران

۴/۸۳	7/43	5/39	۰	تغلیظ امر مذهبی در فضای عمومی و رسانه‌ها و سیاست‌های رسمی
------	------	------	---	---

جدول ۳) مولفه‌های حذف شده در دور سوم پرسش‌نامه دلفی

ردیف	مولفه‌های چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی	میانگین هندسی حد پایین عدد مثلثی فازی	میانگین هندسی حد وسط عدد مثلثی فازی	میانگین هندسی حد بالا عدد مثلثی فازی	عدد فازی زدایی شده
۱	ظهور قدرت رابطه‌ای، مفهومی فراتر از مرزهای ساخت سیاسی	5/59	7/61	9/32	7/56
۲	تحول در مفهوم توسعه (توسعه پایدار و سبز، کاهش ناآزادی از راه افزایش توانایی افراد برای تصمیم‌گیری‌های زندگی)	5/59	7/61	9/32	7/56
۳	شکل‌گیری NGOها	5/75	7/77	9/40	7/70
۴	زنانه شدن زیست اجتماعی	5/91	7/93	9/48	7/85
۵	بدن‌مندی حوزه سیاست در مقابل درک انتزاعی و ذهنی	5/75	7/77	9/404	7/70
۶	شفاف‌سازی و پاسخگو سازی دولتمردان در اثر گسترش فضای مجازی	6/12	7/98	9/40	7/90
۷	مصرف‌گرایی سیاسی شکل نوین کنش و مشارکت	۴/۳۵	۶/۳۸	۸/۱۵	۶/۳۴
۸	بازستی شدن	۴/۵۹	۶/۶۴	۸/۵۶	۶/۶۲
۹	گرایش به خودباری‌های اجتماعی	4/59	6/64	8/56	۶/۶۲
۱۰	گسترش نظریات پست مدرن و نظریات انتقادی در ایران	۰	5/21	7/47	۴/۷۲
۱۱	تغلیظ امر مذهبی در فضای عمومی و رسانه‌ها و سیاست‌های رسمی	۰	5/39	7/43	۴/۸۳

جدول ۴: نتایج حاصل از پاسخ‌های پرسش‌نامه سوم بر اساس بیشترین اولویت

ردیف	مولفه‌های چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی	میانگین هندسی حد پایین عدد مثلثی فازی	میانگین هندسی حد وسط عدد مثلثی فازی	میانگین هندسی حد بالا عدد مثلثی فازی	عدد فازی زدایی شده
۱	ظهور رسانه‌های جدید و شبکه‌ای	8/45	9/74	10/00	9/56
۲	جنبش‌های اجتماعی جدید و شبکه‌ای	7/94	9/49	10/00	9/31
۳	اشکال جدید مقاومت توده‌های طرد شده (زنان، طبقات فرودست شهری و جوانان...)	7/29	9/15	10/00	8/99
۴	تغییرات اجتماعی به ویژه تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان	7/15	8/95	9/87	8/81
۵	تغییرات ساختاری و شکلی در بیان نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی	7/15	8/95	9/87	8/81

8/73	9/91	8/89	6/95	تکثر سبک‌های زندگی	۶
8/72	9/74	8/79	7/07	تغییر اشکال مشارکت سیاسی	۷
۸/۶۴	9/91	9/12	7/40	تحول در ارزشها، اعتقادات و هنجارهای اجتماعی و غلبه نسبی گرایي در این حوزه‌ها	۸
8/64	9/82	8/78	6/90	فردگرایی خودخواهانه	۹
8/64	9/82	8/78	6/90	جهانی شدن	۱۰
8/55	9/74	8/67	6/85	پرننگ شدن و اثرگذاری جامعه‌ی مدنی جهانی (به ویژه در موضوعاتی چون محیط زیست و تغییرات آب هوایی، فقر و توزیع ناعادلانه‌ی منابع، زنان و خشونت، جنگ، آزادی‌های جنسیتی و...)	۱۱
8/41	9/61	8/52	6/78	نمادین و نمایشی شدن سیاست و آمیختگی فرهنگ عامه پستد و سیاسی	۱۲
8/40	9/74	8/52	6/57	معنایابی‌های سیال و مبتنی بر زندگی روزمره	۱۳
8/31	9/65	8/42	6/52	افول فرا روایت‌ها و نظام‌های کلان معرفتی و ظهور جهان‌های درآمیخته‌ی حسی	۱۴
8/22	9/57	8/32	6/47	مجازی شدن زیست شخصی و عمومی مانند کنش‌های اقتصادی در فضای مجازی یا همان دنیای رمز ارزها	۱۵
8/22	9/56	8/36	6/30	کم رنگ شدن تشکلهای طبقاتی و حزبی و ظهور اتحادهای غیر طبقاتی (جنسیتی، قومی، بر پایه اطلاعات و...)	۱۶
8/17	9/49	8/79	7/07	تحول مرزها، انتظارات و مسئولیت‌های شهروندی	۱۷
8/17	9/49	8/26	6/50	تحول ساختاری و کارکردی دولت	۱۸
8/08	9/57	8/17	6/21	تفکیک گریزی حوزه‌های مختلف زندگی و کم رنگ شدن سلسله مراتب‌ها	۱۹
8/08	9/57	8/17	6/21	پرننگ شدن ارزش‌های معطوف به حقوق حیوانات و محیط زیست	۲۰
8/01	9/57	8/10	6/08	ظهور بریکولاژ فرامدرن به ویژه میان جوانان	۲۱

تحلیل یافته‌های پژوهش

به طور کلی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چرخش فرهنگی در ایران در دو دهه اخیر حادث شده است. از ۳۲ مولفه شناسایی شده در ابتدا، ۱۱ مولفه توسط خبرگان حذف و ۲۱ مولفه بعنوان مولفه‌های چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه اخیر استخراج گردید. این مولفه‌ها می‌توانند بعنوان یک مدل به پژوهشگران جهت بررسی وضعیت چرخش فرهنگی در ایران کمک کنند. علی‌الخصوص مناطق مختلف ایران از نظر مذهب، موقعیت جغرافیایی، بافت فرهنگی، وضعیت اقتصادی و ... متفاوت است و این تفاوت‌ها ممکن است عامل تفاوت وضعیت چرخش فرهنگی در آنها باشند. مدل استخراج شده همچنین می‌تواند به کشف میزان حادث شدن هر یک از مولفه‌های چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه‌ی اخیر در مناطق مختلف ایران کمک کند.

بعنوان مثال مولفه "تغییرات اجتماعی به ویژه تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان" ممکن است در استان سیستان و بلوچستان با استان تهران و یا در استان‌های مرکزی نسبت به استان‌های مرزی متفاوت باشد. به همین دلیل مدل استخراج شده به پژوهشگران کمک می‌کند با استفاده از آن شناخت دقیق‌تری نسبت به تفاوت چرخش فرهنگی در نواحی مختلف ایران داشته باشند. ردر جامعه‌شناسی سیاسی، رابطه دولت و جامعه بررسی می‌شود و وزنی که به جامعه و دولت داده می‌شود متفاوت است. در این نگرش دو دیدگاه وجود دارد: در دیدگاه اول وزن قابل توجهی به دولت داده شده که می‌توان به دیدگاه وبر اشاره کرد. در دیدگاه دوم که جامعه‌شناسی مارکسی می‌باشد، وزن قابل توجهی به جامعه داده شده است.

در پژوهش حاضر از ۲۱ مولفه شناسایی شده، ۲۰ مولفه مربوط به ساخت اجتماعی و تنها مولفه هجدهم از جدول شماره ۴ که "تحول ساختاری و کارکردی دولت" می‌باشد مربوط به ساخت سیاسی است. در نتیجه در جامعه‌شناسی سیاسی ایران گردش و تحول بنیادینی که اتفاق افتاده در ساخت اجتماعی بوده و دولت دچار تغییرات اساسی نشده است. به تعبیر دیگر ساخت اجتماعی در دو دهه اخیر نسبت به ساخت سیاسی پیشگام‌تر بوده و واماندگی تحول ساخت سیاسی نسبت به ساخت اجتماعی حادث شده است.

نتیجه‌گیری

جامعه‌شناسی سیاسی به معنای رابطه‌ی میان دولت و ساخت سیاسی با جامعه و ساخت اجتماعی است که در دنیای مدرن متاخر تغییرات بسیار زیادی در همه‌ی عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی داشته است. آخرین نمونه از این تحولات چرخش فرهنگی می‌باشد. آنچه بعنوان چرخش فرهنگی در جوامع مختلف حادث شده است ممکن است بدلیل تفاوت‌های ساختاری در بافت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با یکدیگر یکسان و مشابه نباشد و ممکن است از یک جامعه به جامعه دیگر متفاوت باشد. با در نظر داشتن چنین بینشی در این مقاله تلاش شد مهمترین مولفه‌های چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه اخیر استخراج شوند.

در همین راستا در این مقاله ابتدا به بررسی مبانی نظری پیرامون مولفه‌های چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی پرداخته شد و سپس از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و روش دلفی فازی، جهت بومی سازی مولفه‌های چرخش فرهنگی، پرسش‌نامه‌های دلفی فازی در سه دور توزیع شد. سوال کانونی که در این مقاله تلاش شد به آن پاسخ داده شود این بود که آیا چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه اخیر حادث شده یا خیر و اگر حادث شده چه مولفه‌هایی برای ارزیابی چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران دخیل هستند. ارزیابی‌های صورت گرفته نشان داد به نظر می‌رسد چرخش فرهنگی در ایران حادث و ۲۱ مولفه

برای این منظور شناسایی شده است. این مولفه‌ها می‌توانند بعنوان یک مدل به محققان در سنجش میزان پرخش فرهنگی در بخش‌های مختلف ایران که ممکن است متناسب با مذهب، سنت‌ها، موقعیت جغرافیایی و ... متفاوت باشد، کمک کنند.

همچنین نتایج نشان می‌دهند از ۲۱ مولفه شناسایی شده، ۲۰ مولفه مربوط به تحولات جامعه و تنها ۱ مولفه مربوط به تحولات دولت است که نشان دهنده تحول نامتوازن میان ساخت سیاسی و ساخت اجتماعی است. به تعبیر دیگر تحولی که در جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دو دهه اخیر حادث شده، اساساً تحولی بوده که در ساخت اجتماعی حادث شده و تحول ناچیزی در حوزه سیاسی حادث شده است. در حقیقت تحول میان ساخت اجتماعی و ساخت سیاسی در دو دهه اخیر در ایران نامتوازن بوده است. به نظر می‌رسد این عدم توازن پیامدهایی دارد که می‌تواند موضوع تحقیق پژوهشگران در آینده باشد. بعنوان مثال پژوهشگران در آینده می‌توانند رابطه بین رخداد‌های دی ماه ۹۶، آبان ۹۸ و پاییز ۱۴۰۱ را با عدم توازن در تحول ساخت سیاسی و ساخت اجتماعی ایران در دو دهه اخیر بررسی کنند.

منابع

- آقایی، میلاد، اصغر آقایی و رضا آقایی (۱۳۹۱)، شاخص‌های اساسی مؤثر بر وفاداری مشتریان در صنعت بهداشت و سلولزی ایران با استفاده از رویکرد دلفی فازی و دیمتل فازی، (مدیریت بازرگانی، دوره ۴، ش ۳، پاییز.
- اکسفورد، بری؛ هاگینز، ریچارد (۱۳۸۷)، رسانه‌های جدید و سیاست، ترجمه‌ی بابک دریگی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری.
- بارکر، کریس (۱۳۸۷)، مطالعات فرهنگی، نظریه و عملکرد، ترجمه‌ی مهدی فرجی، نفیسه حمیدی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بیات، آصف (۱۳۷۹)، سیاست‌های خیابانی، ترجمه‌ی اسدالله نبوی هاشمی، تهران: نشر شیرازه.
- توحیدفام، محمد (۱۳۹۲)، «نیروهای اجتماعی شبکه‌ای، مفهوم نوین جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، پژوهشنامه‌ی علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۲، ۱۵۳-۱۸۲.
- حاتمی، عباس (۱۳۹۵)، «نقش نظریه در پژوهش‌های سیاسی تاریخی: فراخوانی برای بازاندیشی در نقش نظریه‌های علوم سیاسی»، دوره‌ی ۱۱، شماره ۲.
- رضایی، محمد (۱۳۹۸)، رهایی بخشی مطالعات فرهنگی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- قاسمی، علی‌اصغر (۱۳۸۷) «تأثیر جهانی شدن بر جنبش‌های اجتماعی در ایران»، طرح پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۵)، شبکه‌های خشم و امید، مترجم مجتبی قلی‌پور،

- تهران: مرکز.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن، فرهنگ و هویت، تهران: نشر نی.
 - گیینز، جان آر (۱۳۸۱)، سیاست پست مدرنیته، ترجمه‌ی منصور انصاری، تهران: گام نو.
 - میراحمدی، فاطمه سادات؛ احمدی، سید عباس (۱۳۹۷)، «چرخش فرهنگی در جغرافیا و تأثیرات آن بر رشته‌ی جغرافیای سیاسی»، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، سال سی و سوم، شماره ۳، ۷۲-۵۸.
 - نش، کیت (۱۳۹۹)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر
 - نش، کیت (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
 - نقوی، سید حسین (۱۳۸۶)، جنبش‌های اجتماعی جدید در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر توسعه سیاسی در ایران، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۷، ۱۰۲-۱۰۰
 - Baltar, Fabiola, Ignasi Brunet, (2012), "Social research 2.0: Virtual Snowball Sampling
 - Chang, Y. H. (1998). Transportation Plan Appraisal and Decision Making: Discussion and Application of the Fuzzy Theory, Hwatai, Taipei.
 - Chen, M. K., S. C., Wang, (2010), "The Use of a Hybrid Fuzzy-Delphi-AHP Approach to Develop Global Business Intelligence for Information Service Firms". Expert Systems with Applications, Vol. 37, pp. 7394-7407.
 - De Moor, J. (2017), Lifestyle politics and the concept of political participation. Acta Politica. 52(2), 179-197.
 - Fuißt, T. N., Mogford, E., & Das, A. (2018), Lifestyle Movements as Social Networks: The Connections between Everyday Politics and Larger Collective Action in an Indian -Feminist Movement. Sociological Perspectives, 61(6), 894-910.
 - Mikhailov, L. (2003), "Deriving Priorities from Fuzzy Pairwise Comparison Judgements", Fuzzy Sets and Systems, Vol. 134, pp. 365-385.
 - Okoli, C., S.D., Pawlowski. (2004), "The Delphi Method as a Research Tool: An Example, Design Considerations and Applications", Information and Management, Vol. 42, pp. 15-29.
 - Pour Ezzat, A. A., Sadabadi, A. A., Damirchiloo, S., & Pakzad, M. (2014), Useful Knowledge; Knowledge Policy Making for Developing the Public Interest by Fuzzy Approach. Rahyaft, 24(57).
 - Webster, F. (2005), Making sense of the information society.